

شجره ملعونه در قرآن^۱

محمدسواد ناصری^۲

چکیده

براساس آیه ۶۰ سوره مبارکه اسرا پدیده نامبارک «شجره ملعونه» درعالم رؤیا از جانب خداوند به پیامبر ص نشان داده شده و آن را مایه آزمایش برای بندگان معرفی کرده است. بیشتر مفسران شیعه و برخی از اهل سنت قائلند آن چه را پیامبر ﷺ در رؤیا به عنوان «شجره ملعونه» دیده، بنی امیه می باشد که بعد ها به عنوان جانشین پیامبر ﷺ بر مسلمانان حکومت کردند، که در نتیجه آن بدعت های زیادی را بوجود آوردند.

این «شجره ملعونه» نمی تواند منحصر به زمان و مکان باشد، و در هر زمان و مکانی که ویژگی های این شجره ملعونه آشکار شود می تواند مصداق آن و شاید هم خطرناک تر از بنی امیه باشند. نگارنده در این نوشتار به بررسی تفسیر شجره ملعونه و مصداق آن در زمان حال می پردازد.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، رؤیا، شجره ملعونه، بنی امیه، آل سعود.

۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۲ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۱

۲ دانش پژوه دوره کارشناسی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفیٰ العالمیه، مشهد مقدس

مقدمه

قرآن کریم منادی تعالیم اصیل و حیانی است که خداوند برای راهنمایی بشر توسط بهترین مخلوق و آخرین فرستاده اش حضرت محمد ﷺ نازل کرد. خداوند در این کتاب مقدس بسیاری از مسائل را برای بندگان خود به طور صریح و روشن، بدون کوچک ترین ابهام بیان فرموده است، تا جای هیچ شک و شبهه ای باقی نماند. اما بنا به مصلحت و دفع مفسد؛ گاهی با اشاره و کنایه سخن گفته است و با زبان تمثیل و تشبیه به بیان حقایق پرداخته است. این شیوه از نظر کسانی که اهل تعقل و تدبیر هستند، همانند آیات صریح قرآن کریم کاربرد دارد.

یکی از تمثیلات زیبای قرآن که موضوع این نوشته است «شجره ملعونه» یا درخت نفرین شده می باشد که در آیه ی شصت سوره مبارکه اسراء، به صورت رؤیایی به پیامبر ﷺ نشان داده شد.

اینک این تحقیق، ضمن بررسی «شجره ملعونه در قرآن» به دو سؤال ذیل پاسخ می دهد:

۱. مصادیق شجره ملعونه چه کسانی هستند؟
۲. مراد از رؤیایی پیامبر (صل الله علیه و آله) چیست؟

تعاریف و کلیات

«شجره ملعونه» در لغت و اصطلاح

شجره: از ریشه «ش. ج. ر» گرفته شده است و به معنی درخت می باشد. (الموعود، بی تا: ۶۲۹) بعضی از اهل لغت معتقد است که «شجر به درختی گفته می شود که دارای ساقه باشد (راغب، ۱۴۲۶ق: ۴۴۶) همچنین بعضی گفته هر چه از روئیدنی ها تنه دارد شجر است و آنچه تنه ندارد نجم و عشب و حشیش است. (قرشی، ۱۳۸۴ق، ج ۷: ۴)

«شجره» هم به معنی درخت است هم هراصلی که شاخه ها و فروعی داشته باشد. لذا به قبیله هم شجره گفته می شود. پیامبر نیز فرموده اند: «أنا و علی من شجره واحده» به سلسله نسب و نژاد نیز «شجره نامه» گفته می شود. (قرائتی، ۱۳۸ش، ج ۷: ۸۲)

کلمه «لعن» به معنای دور کردن است. بنابراین از حیث آن که درخت ملعونه در قرآن از تمامی صفات خیر و خوبی دور بوده آن را ملعونه نامیده اند.

زیرا آن شجره در بن دوزخ و در دورترین مکان از رحمت الهی می روید. (فخر رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۰: ۲۳؛ زمخشری، ۱۳۸۹ق، ج ۲: ۴۵۶)

«ملعون» اسم مفعول از ماده لعن است در لغت به معنی نفرین شده و طرد شده آمده است (معلوف، بی تا، ۱۶۸) و نیز لعن به معنی راندن و دور کردن از روی غضب هم آمده است. آن از خدا در آخرت عذاب و دردنیا انقطاع از قبول رحمت و توفیق خداست و از انسان نفرین است نسبت به غیر (قرشی، ۱۳۸۴ش، ج ۶: ۱۹۴)

باترکیب این دو تا واژه یعنی «شجره ملعونه» در اصطلاحی قرآنی یک نوع تمثیل است که خداوند تعالی با استفاده از این رویش چهره بدخواهان اسلام را برملا می سازد حکایت این تعبیر طائفه است که تشبیه شده به شجر و از این طریق مورد لعن و نفرین قرآن قرار گرفته، در اینکه منظور از اصحاب شجر چه کسانی می باشد میان مفسرین بحث های فراوان وجود دارد. به هر حال ترکیب این دو تا واژه عمق نفرت خداوند به مصادیق آن رامی رساند.

نگاهی به آیه مورد بحث

«وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْتَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا؛ و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایاندم و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی افزایم» (اسراء/ ۶۰)

رؤیای پیامبر در روایات

در تفسیر نورالثقلین، روایتی از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام وارد شده است که از قول رسول خدا نقل کرده اند که فرمود: مردانی از آتش را بر روی منبر های آتشین در خواب دید که مردم را به قهقرای گذشتگان می برند و اکنون نمیتوانیم نامی از آنان به میان آوریم. (حویزی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۷۵)

و همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است که جدّم رسول خدا در مدینه در خواب دید که چهارده میمون از منبر او بالا می روند، یکی بعد از دیگری. وقتی بیدار شد رؤیایش را برای یارانش تعریف کرد. آن ها از تعبیر خواب پرسیدند و فرمود: «بعد از من بر این منبر گروهی از قریش می نشینند که اهل و شایسته ی آن نیستند» امام صادق علیه السلام فرمودند «منظور بنی امیه است». (برازش، ۱۳۹۴ش ج ۸: ۲۲۲ و ۲۲۳)

سخن صاحب «مجمع البیان»

مرحوم طبرسی در تفسیر وزین خود «مجمع البیان» در ارتباط با رؤیایی پیامبر اکرم ﷺ در آیه مورد بحث، سه دیدگاه را مطرح کرده است:

۱- گروه اول معتقد اند که واژه رؤیا در این جا به معنی خواب نیست، بلکه حکایت از سفر معنوی معراج پیامبر ﷺ دارد که در ابتدای این سوره به آن اشاره شده است. (کرمی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۱۷۸)

۲- تفسیر دوم، رؤیا را به معنای خواب دانسته است، اما خوابی که پیامبر ﷺ در مدینه دید. او در خواب دید که به مکه وارد شده است، به همین دلیل رهسپار مکه گردید. (همان)

۳- عده ای دیگری آورده اند که پیامبر گرامی ﷺ در خواب دید که بوزینه هایی بر منبرش بالا می روند و از آن فرود می آیند. وی از این خواب سخت اندوهگین شد. (همان ۱۷۹)

مرحوم علامه طبرسی در ذیل دیدگاه سوم، می افزاید: «پس از آن رؤیا، دیگر تبسم بر لبان حضرت دیده نشد، تا هنگام ملاقات با معبودش» بنابراین، به باوری برخی منظور از «شجره ملعونه» که در قرآن آمده است، «بنی امیه» می باشد. (کرمی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۱۷۸)

از منظر علامه طباطبایی

مفسر مشهور، علامه طباطبایی با بی اساس خواندن نظرات برخی از مفسران عامه پیرامون قول اول و دوم و اثبات دیگره سوم، می گوید:

«بنابه تصریح همه اهل لغت «رؤیا» به معنای صحنه هائی است که آدمی در خواب می بیند و این چه ربطی به معراج دارد، که در بیداری اتفاق افتاده است؟! (طباطبایی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۳: ۱۹) و نیز رؤیا همچون (رؤیت) مصدر یا دیدن در شب، در لغت ثابت نشده است و حتی در سخنان شعرا و ادبای عرب هم نمی توان یافت. (همان)

پاسخ به یک پرسش

همه ی روایات موجود در زمینه این آیه، حاکی از این است که رسول خدا ﷺ در خواب بنی امیه را دید که مانند بوزینه ها بر منبر او میجهند. پس آن حضرت غمگین شد و دیگر خنده بر لب آن بزرگوار دیده نشد، تا درگذشت. در این جا یک پرسش وجود دارد، و آن اینکه، چرا خداوند آن رؤیایی که به پیامبرش نشان داده است؛ در سایر آیات قرآن، اشاره ای به آن

نشده است؟ و آیه ای دیگر آن را تفسیر کند، دیده نمی شود؟ چرا رؤیایی که در آیه مورد نظر ذکر شده، با رؤیایی که در آیه «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» (فتح / ۲۷) بیان شده، تطبیق نمی کند؟ در پاسخ باید گفت: زیرا آیه ی مورد بحث در مکه نازل شده و مربوط به قبل از هجرت است و آیه ۲۷ سوره فتح مربوط به حوادث بعد از هجرت می باشد، بعضی از مفسرین رؤیا را به معنای خواب نمی دانند، بلکه حمل بر مشاهدات صحنه های معراج می کنند. بنا به تصریح اهل لغت رؤیا به معنای صحنه های است که آدمی در خواب می بیند و این ربطی به معراج ندارد. زیرا معراج در بیداری اتفاق افتاده است. (طباطبایی، ۱۳۸۷ ش ج ۱۳: ۱۹۴). طرفداران این نظریه برای توجیه سخن خود مستندات را ارائه داده اند که از جمله رؤیا را همانند رویت، مصدر گرفته و یا رؤیا را مطلق دیدن در شب، اعم از خواب و بیداری دانسته اند، در پاسخ باید گفت که چنین معنای در لغت ثابت نشده است و در نظم و نثر زبان عرب، شاهی بر آن دیده نشده است.

دیدگاه فخر رازی

دیدگاه برخی از مفسران شیعی را جویا شدیم، که گرایش آنان بریک محور می چرخد و آن اینکه «شجره ملعونه» همان دودمان بنب امیه است که در عالم رؤیای به پیامبر ﷺ نشان داده شد که بنی امیه به شکلی میمون بر بالای منبر پیامبر ﷺ تردد می کردند. در این میان برخی از مفسران فقط در حد نقل قول، تمایل خود را تلویحاً ابراز نموده اند و برخی دیگر نیز مانند علامه طباطبایی با براهن عقلی و نقلی وارد شده و با ردّ اقوال دیگر، قول مختار را ثابت کرده اند. به هر حال نظرات همه مفسرین شیعه به یک دیدگاه منتهی می شود. اما علمای اهل تسنن بر سر یک موضوع اتفاق نظر ندارند. و دیدگاهشان متفاوت است. به عنوان مثال، یکی از علمای نامدار اهل سنت که در رابطه با این موضوع ابراز نظر نموده است، فخر رازی است. اینک دیدگاه وی را مورد بحث قرار می دهیم:

فخر رازی یکی از علمای معروف اهل سنت در تفسیر کبیر خود، رؤیای پیامبر ﷺ را از سعید بن مسیب روایت می کند که «رأی رسول لله بنی امیه بنزون علی منبره نزوالقرده فساء ذالك» (فخر رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۳۶۰) همچنین فخر رازی این قولی که رؤیایی پیامبر ﷺ را به خواب دیدن بنی امیه تفسیر کرده است، به ابن عباس نیز نسبت داده است که مراد از شجره ملعونه بنی امیه است و بنی امیه

را تفسیر به حکم ابن ابی العاص کرده که پیامبر ﷺ در خواب دید که فرزند مروان از منبرش بالا و پایین می رفت (فخر رازی، همان: ۳۶۱)

پاسخ به یک اشکال

فخر رازی در تفسیر آیه ی مورد بحث، به یک اشکال هم پاسخ داده است و آن اینکه آیه ی مذکور در مکه نازل شده است و پیامبر در مکه که منبری نداشت. وی بلافاصله این اشکال را این گونه پاسخ می دهد: «و یمكن أن یجاب عنه بأنه لا یبعد أن یري بمكة أن له بالمدينة منبراً يتداوله بنو امیه» (فخر رازی، همان: ۳۶۱) یعنی: بعید نیست که پیامبر ﷺ در مکه خواب ببیند که در مدینه منبری دارد که بنی امیه در حال رفت و آمد بر روی آن اند و در ادامه ایشان روایت سعید بن مسیب را انتخاب کرده است و به آن را به اکثر مفسران نیز نسبت داده است. (فخر رازی، همان، ۳۶۱)

شجره ملعونه از منظر مفسران

سؤالی که در این جا قابل طرح می باشد، این است که شجرهی ملعونه چیست که خداوند آن را وسیلهای برای آزمایش و امتحان مردم قرار داده است؟ مخصوصاً آنکه در هیچ یک از آیات قرآن کریم، بحثی از شجرهای که مورد لعن قرار گرفته باشد، به چشم نمیخورد.

مصادق «شجره ملعونه» که در آیه ی شصت سوره مبارکه اسراء مطرح شده است، کیست؟ مفسران اقوال زیادی را نقل کرده اند. اینک اول به صورت کلی این اختلافات را ذکر کرده، آنگاه به شرح و بیان هریک می پردازیم. اقوالی که مورد بحث قرار می گیرند، عبارتند از: ۱- شجره زقوم؛ ۲- قوم سرکش یهود؛ ۳- بنی امیه.

۱- شجره زقوم:

برخی از مفسران به این باورند که منظور از «شجره ملعونه» درخت زقوم است. بعضی از اهل لغت زقوم را به گیاهی تلخ و بدبو و بد طعم تفسیر کرده اند. (مجمع البحرین، ماده زقوم) به گفته بعضی از مفسران، گیاهی است که دارای برگهای کوچک و تلخ و بدبو است و در سرزمین «تهامه» می روید و مشرکان با آن آشنا بودند. (حقی، بی تا، ج ۷: ۶۶۴) این گیاه در بن جهنم می روید که از ثمره تلخ و ناگواری برخوردار است. همچنانکه در سوره صافات نیز آمده است: «انها شجرة تخرج في اصل الجحیم» (صافات/ ۶۴) بدیهی است که میان شجره زقوم

هیچ شباهتی با درختان دنیا نیست. چون جنس او از آتش است. این درخت در دنیا تنها برای ما انسان ها قابل تصور است (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۲: ۱۹۵) طبق آیات چهل و چهار تا چهل و هفت سوره دخان، خوراک گناه کاران است. اما نه مانند طعام های لذیذ دنیوی بلکه «کالمهل یغلی فی البطون؛ یعنی همانند فلز مذاب در شکم ها می جوشد» (دخان/۴۵)

«شجره ملعونه» نمی تواند همان شجره زقوم با شد. زیرا شجره زقوم در هیچ جای از قرآن مورد لعن قرار نگرفته است. به گفته ی مفسر شهیر علامه طباطبائی، در ردّ اینکه شجره ملعونه همان شجره زقوم است: «درست است که «شجره زقوم» مایه فتنه معرفی شده است. (صافات/۶۲) اگر بنا باشد صرف اینکه در جهنم سبز می شود، مایه عذاب گناهکاران است، باعث لعن آن شود، باید به طریق اولی خود جهنم و عذاب های آن همه لعن شوند». (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۱۸۸) و از سوی دیگر، ملائکه گاهی مایه عذاب بندگان واقع می شود. (مدثر/۳۰) نه تنها ملعون نیست، بلکه مورد ستایش هم قرار گرفته است. (تحریم/۶) و همچنین وسیله ی عذاب کافران، دست مؤمنین است. (توبه/۱۴) روشن است که مؤمنین ملعون نیستند.

از آیه قبل هم معلوم است که در آن جا موضوع ناقه حضرت صالح را مطرح کرده است. در این آیه سخن از شجره ملعونه به میان آمده است که قاتل «آل الله» بودند. در روایت هم آمده است که اهل بیت فرمودند: «ما کمتر از ناقه صالح نیستیم که اهانت و جسات بر ما، هلاکت و ضلالت را در پی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸: ۲۰۶)

۲- قوم یهود:

به اعتقاد برخی از قرآن پژوهان، «شجره ملعونه» همان قوم سرکش یهود است. زیرا آنان همانند درخت هستند، باشاخ و برگ های فراوان، اما مطرود در گاه پروردگارند. (مکارم شیرازی، ج ۱۲: ۱۹۶)

این نظریه هم مورد پذیرش اکثر مفسرین واقع نشده است. یعنی قوم یهود هم نمی تواند از مصدیق خاص این شجره قرار بگیرد. گرچه یهود باهمه شرارت و شقاوت هایش، نسبت به اسلام مورد مذمت قرآن قرار گرفته «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ» پس بسبب شکستن عهدشان آنان را لعنت کردیم. (مائده/۱۳) لعن و توبیخ یهود در قرآن به طور صریح مطرح شده است. بدون کوچک ترین ابهام و ملاحظه ای که حتی در امور اجتماعی از اعتماد به آن ها،

صراحتاً نهی شده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ» ای مردم مؤمن، به یهودیان و مسیحیان اعتماد نکنید. (مائده / ۵۱) و گروه‌های مخلف از جمله ابلیس. (نساء / ۱۱۸) مشرکان (احزاب / ۶۴) منافقان (توبه / ۶۸)

چون این گروه‌ها دارای یک چهره روشن هستند که در مقابل اسلام قرار دارد و نیازی به کنایه و تمثیل نیست. در تأیید این سخن، حدیث معروفی از پیامبر ﷺ روایت شده است که به امیرالمومنین علی علیه السلام حضرت فرمود: «من برای اتمن نه از مؤمن می ترسم و نه از مشرک. زیرا مؤمن را خداوند به واسطه ایمانش حفظ می کند و مشرک را خداوند به سبب شرکش از پای در می آورد اما ترس من برای شما از منافقی زبان بازی است که مطابق اعتقادات شما سخن می گوید و برخلاف آنچه معتقدید، عمل می کند.» (نهج البلاغه خ ۲۷؛ ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۰۱۲؛ قمی، ۱۳۵۹، ج ۲: ۶۰۶)

بنابراین یهود نمی تواند مصداق خاص این خطابه باشد. هرچند از مصادیق عام خارج نیست. اما این آیه دارای شان نزول است. در قدم اول یک گروه خاص را شامل می شود. با این حساب، معلوم شد که مصداق «شجره ملعونه» به نحو متبادر و مستقیم، درخت زقوم و قوم یهود نیست. در این جا فقط یک دیگه باقی می ماند که ذکر می شود.

۳- بنی امیه:

دیدگاه سوم که رای اکثر مفسران را به خودش معطوف کرده است، این است که منظور از «شجره ملعونه» همان دودمان بنی امیه است. مفسرین شیعه و برخی از اهل سنت، در آثار خود، به بیان این مطلب پرداخته و روایاتی را از معصومین علیهم السلام نقل کرده و به آن‌ها استناد نموده اند.

مفسر مشهور عیاشی از امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ی مورد بحث، روایت کرده است که فرمود: «سبب نزول آیه آنست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شبی در عالم رؤیا مشاهده کرد که بوزینه هائی بر منبر آن حضرت رفته و نشسته‌اند و مردم را به ضلالت و گمراهی می کشانند. پیغمبر از این حالت متأثر و مغموم شد، خداوند آیه مزبور را نازل کرد.»

از زراره و محمد بن مسلم نیز روایت شده است که گفتند: «از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه را سؤال نمودیم، فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خواب دید

که کسانی به منبر او رفته و مردم را به ضلالت و گمراهی می‌کشاند و آنها زریق و زفر و از بنی امیه بودند و شجره ملعونه اشاره به آن‌ها می‌باشد» و این حدیث به طرق متعدد، میان عامه و خاصه شایع است (بروجردی، ۱۲۹۳ق، ج ۴: ۱۳۵)

در هر صورت، آنچه که مسلم است، این است که منظور از رؤیا در این آیه، همان خواب پیامبر ﷺ است که بنی امیه را همانند میمون‌ها دربالای منبرش مشاهده کرد. طبق این تفسیر، معلوم می‌شود که منظور از «شجره ملعونه» همان دودمان بنی امیه است.

تحلیل موضوع

با بررسی دلائل عقلی و نقلی مفسران ثابت شد که مصداق بارز شجره ملعونه در قرآن کریم، همان بنی امیه است. اما بنابر معنای وسیع آن، ممکن است در حال حاضر هم «شجره ملعونه» در قرآن اشاره به هر گروهی منحرفی اطلاق شود. زیرا آنچه که مسلم است، این است که مصداق این شجره منحصر به هیچ زمان و مکان و افراد نیست و شامل گروهائی همانند بنی امیه، یهودیان، و همه ی کسانی که در خط آنها گام برمی‌دارند، می‌باشد. چون ریشه یک درخت ممکن است هزاران سال باقی بماند و مکن است هر ساله سبز کند و میوه شوم آن به عمل آید و آثار مخرب آن قرن‌ها همچنان باقی بماند. (مکارم، ۱۳۸۵ش، ج ۱۲: ۱۹۷)

فلسفه شجره ملعونه

نفرین شدن بنی امیه به ابتدای بعثت و روزهای آغازینی که پیامبر ﷺ دعوتش را آشکارا اعلام کرد؛ باز می‌گردد، که با مخالفت شدید قریش مواجه شد. آنان موانع بسیاری سر راه مسلمانان ایجاد کردند، تاجای که پیامبر اسلام ﷺ مجبور به هجرت شد و ناچار مکه را به مقصد مدینه ترک کرد. اما قریش در رأس آنان بنی امیه، با عناد و دشمنی سختی که با اسلام داشتند، مسلمانان را در مدینه هم آرام نگذاشتند و آغاز گر بسیاری از جنگ‌ها شدند. اما سرانجام با کمک خداوند، جبهه حق بر باطل پیروز شد و بنی امیه از جبهه مشرکان خارج و به گروه منافقین پیوستند و در لباس اسلام فعالیت‌های خودشان را علیه اسلام شروع کردند. ولی بعد از خلیف دوم، جریان خلافت به صورت کامل در اختیار آنان قرار گرفت و در این راه از ارتکاب هیچ عملی سوئی خودداری نکردند و کار این شجره ملعونه به جای رسید که منجر به شهادت مظلومانه

فرزندان دختر رسول الله ﷺ شد و امام حسین علیه السلام را با همه ی یارانش، به طور فجیع به شهادت رساندند. این تازه گوشه ای از جنایات بنی امیه است، که از عدم ایمان این دودمان نامبارک، به خداوند و اعتقاد به ضروریات دین نشأت می گیرد. بنابراین، این عمل آنان باعث شده است که بنی امیه را خداوند مورد چنین سرزنش قرار دهد. پس کسانی که دارای چنین ویژه گی های باشد، در زمره اصحاب شجره ملعونه قرار می گیرد.

متأسفانه کم نیستند کسانی که در هر زمان و مکانی دارای روحیه خصمانه با اسلام و قرآن باشند و یا در لباس مسلمان، علیه منافع اسلام و در جهت خلاف اهداف الهی گام برمی دارند و طوطئه می کنند. کسانی که این گونه باشند؛ به طور قطع در چهارچوب مصادیق «شجره ملعونه» قرار می گیرند.

شجره ملعونه و آل سعود

مسلماً، یکی از مصادیق بارز این آیه شریفه در عصر حاضر، خاندان آل سعود است. زیرا آن ها با سوء استفاده از موقعیتشان و مکان های مقدسی که تولیت آن ها را برعهده دارند، بزرگ ترین خیانت ها را در حق اسلام و مسلمین مرتکب شده اند که در تاریخ اسلام کم سابقه است و در این را از بنی امیه پیشه گرفته اند. زیرا این خاندان خیانتکار، با در آمد های کلانی که از طریق سفر حجاج بیت الله الحرام و ذخایر سرشار نفت، نصیبشان میشود، از این ثروت های ارزشمند، در جهت منافع دنیای اسلام استفاده نمی کنند، بلکه با آن سلاح و ابزار آلات جنگی خریده و مردم مسلمان و بی دفاع یمن را به خاک و خون می کشند و در مسیر حفظ منافع دشمنان اسلام، مثل آمریکا و رژیم اشغالگر سرزمین فلسطین گام برمی دارند. پس بنابراین، مصداق بارز و متبادر این آیه شریفه، در عصر حاضر، خاندان آل سعود است.

مقام معظم رهبری دامنه العالی در بزرگ داشت اولین سالگرد شهدای منی، خاندان آل سعود را همانند شجره ملعونه و شجره خبیثه نام بردند. «حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده های شهدای منی و مسجد الحرام، کوتاهی و بیکفایتی آل سعود در این حادثه را، اثبات مجدد بی لیاقتی این شجره خبیثه ملعونه، در تصدی و اداره حرمین شریفین خواندند. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامنه العالی).

نتیجه

شجره ملعونه در قرآن همان دودمان بنی امیه است، که قرآن آنان را با این تعبیر مورد خطابه قرار داده است و وسیله ی آزمایش برای بندگانش می باشد. اما در حال حاضر، می توان، پدیده تکفیر و حکومت های نظیر آل سعود را از مصادیق بارز شجره ملعونه به حساب آورد. به همین دلیل، باید یکی از اولویت های جهان اسلام و علاقه مندان به آینده امت محمد مصطفی ﷺ مبارزه ی صادقانه و همگانی با این جریان نامبارک باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق) بحارالانوار، ج ۲۸، بیروت، مؤسسه الوفا.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۸۴ش) قاموس قرآن، ج ۶، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ابومنصور، طبرسی، (۱۳۸۰ش) مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۵، ترجمه: علی کرمی.
- محمدی ریشه‌ری، محمد (۱۳۸۱ش) منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم دارالحدیث.
- فخررازی، محمد ابن عمر، (۱۴۲۲ق) تفسیرکبیر، ج ۷، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۷ش) تفسیرنور، ج ۷، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لویس، معلوف، (۱۳۸۲ش) المنجد، ترجمه: محمد بندر ریگی، ج ۲، انتشارات ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵ش) تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷ش) المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۹ش) تفسیرکشاف، ترجمه: مسعود انصاری، ج ۲، تهران: انتشارات ققنوس.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه ی عروسی (۱۳۹۰ش) ترجمه نورثقلین ج ۴، انتشارات نوید اسلام.
- برازش، علی رضا (۱۳۹۴ش) تفسیراهل بیت، ج ۸، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش) لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.